

تحلیلی بر موانع زمانی - فضایی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار در قلمرو جغرافیای زمان (مطالعه موردی: شهرستان ورزقان)

عقیل خالقی^۱، افشین یگانه^۲، آذر بکائی^۳

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳، نوع مقاله: پژوهشی)

چکیده

همگام با توسعه روستایی، زنان همواره علاقه‌مند به مشارکت در نیروی کار در فعالیت‌های غیرکشاورزی و بخش خدمات در جامعه هستند. این جامعه متشکل از مسیرهای بی‌وقفه و شبکه‌ای است که توسط مردم در فضا ترسیم شده است. مسیر فضا-زمان منشور اصلی جغرافیای زمان است و موانع و محدودیت‌های زمانی - فضایی موجود در مسیر اشتغال زنان روستایی شهرستان ورزقان مسئله‌ای است که مطالعه حاضر به تحلیل آن پرداخته است. تحقیق براساس هدف از نوع کاربردی بوده و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. از روش ترکیبی مبتنی بر توسعه ابزار استفاده شده است. در مجموع تعداد ۴۵ نفر زن برای شرکت در نظرسنجی و پاسخ به سؤالات چندگزینه‌ای (طیف لیکرت) انتخاب شدند که ۲۵ نفر از این حجم در مصاحبه‌های عمیق کیفی شرکت کردند. مصاحبه‌ها هدفمند بوده و حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری آسان انتخاب شده است. در بخش کیفی از روش «پژوهش درون‌نگری هدایت‌شده» با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰ و در بخش کمی از مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی با نرم‌افزار اسمارت. پی. ال. اس. ۳ استفاده شد. «چشم‌انداز تحرک شغلی از بُعد فردی و خانوادگی»، «موانع زمانی - فضایی زنان از بعد فرهنگی و اجتماعی» و «موانع مدیریتی و ساختاری به‌عنوان محدودیت زمان - فضا» به‌عنوان درون‌مایه‌های اصلی در محدودیت‌های فضا - زمانی مشارکت

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تبریز، محقق پسادکتری (INSF)، تبریز، ایران.

(khaleghi567@tabrizu.ac.ir) نویسنده مسئول

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

زنان روستایی در نیروی کار شناخته شدند. «فضای حیاتی» از نظر سوق یافتن زنان روستایی در منشور زمان - فضا به مشاغل کم‌اعتبار؛ «ایدئولوژی مرد به‌عنوان نان‌آور (کلیشه‌های جنسیتی)» به معنای مرد به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی معیشت اقتصادی خانواده و وابسته بودن زن؛ «شرایط بحران در زمان - فضا» به این معنا که زنان به‌عنوان نیروی کار ذخیره بالقوه تلقی می‌شوند، به‌عنوان مهم‌ترین محدودیت‌های مشارکت زنان روستایی در نیروی کار در قلمرو جغرافیای زمان هستند.

واژه‌های کلیدی: مشارکت زنان، نیروی کار، جغرافیای زمان، روش آمیخته، ورزقان.

Analysis of spatial-temporal obstacles of rural women contribution in labor force at the geographical domain of time (case study: Varzaghan State)

Aghil Khaleghi¹, Afshin Yegane², Azar Bokae³

Abstract

Women, along with rural development, would like to contribute in labor force related to non-agricultural activities and service department at society. This society contains non-stop paths and a network designed by the people. The time-space path is the main geographical charter of time. The spatial-temporal obstacles for rural women employment at Varzaghan State is the matter of this study to analyze. The research based on goal was in applied form and it was analytic-descriptive in method. The combination method based on tool's improvement was used. Forty-five women were selected for the survey and answering multiple choice questions (Likert Spectrum); 25 of these women took part in the qualitative severe interviews. The interviews were purposeful and the sample was selected by sampling. The "Semi-structured interview" using MAXQDA 20 was used in quality part; structural equation modelling in the way of partial least squares using Smart PLS 3 was used in quantitative part. The main themes related to spatial-temporal limitations of rural women contribution in labor force were as follows: perspective of job motivation in family and individual view, women temporal-spatial obstacles in social cultural view, managerial and structural obstacles. The main limitations women may face with in labor force at geography domain of time are as follows: the crucial atmosphere to lead the rural women to the low-credit jobs, considering a man of family as the breadwinner (gender clichés), considering a man as the only breadwinner and a woman as a dependent person, crisis conditions in time-space considering a woman as a potential labor force.

Keywords: Women Contribution, Labor Force, Geography of Time, Combined Method, Varzaghan State

-
1. Assistant Professor, Department of Geography and Rural Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran
 2. PhD-student, Department of Geography and Rural Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran
 3. PhD- student, Department of Geography and Rural Planning, Tabriz University, Tabriz, Iran

مقدمه

مشارکت زنان روستایی در تصمیم‌گیری‌ها به‌عنوان فرایندی فعال در مسیر توسعه روستایی اهمیتی قابل توجه دارد (دادورخانی، ۱۳۸۸، ص ۹۷) و امروزه توجه به زنان و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی موفقیت برنامه‌های توسعه در کشورها بوده است (صدرموسوی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳). از این روست که مشارکت زنان به‌منزله بخش مهمی از نیروی توسعه بوده است (صادقلو و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۳). در مواقعی استیلای شاخص‌های ناپایداری در فضای روستایی باعث می‌شود زنان علی‌رغم گستردگی مشارکت در فعالیت‌های روزانه، همواره به‌عنوان اقشار آسیب‌پذیر، در فضایی از محرومیت شامل بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر گرفتار آیند (چمبرز، ۱۳۷۶، ص ۵۴). البته به‌موازات بروز تحولات در ساختار اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی، شکل و میزان اشتغال زنان نیز متحول شده و از امور حاشیه‌ای پرزحمت و طاقت‌فرسا تا حدودی فاصله گرفته‌اند (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۳).

شناخت مفهوم این‌گونه فضا در جغرافیا اهمیت ویژه‌ای دارد (رهنما و بازرگان، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵) و این در حالی است که جغرافیای زمان، چارچوبی برای توصیف نقاط قابل دستیابی در یک محیط فضا - زمان است (مولر^۱، ۲۰۱۹، ص ۲۷۴) و یک مفهوم اساسی از آن، مسیر روزانه یا مسیر زندگی است که توالی فعالیت‌ها و حرکات افراد را در فضا و زمان نشان می‌دهد (هاگراستراند^۲، ۱۹۷۰، ص ۷). مسیر فضا - زمان منشور اصلی جغرافیای زمان است که با استفاده از آن، امکان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های رفتار پاسخ‌گویان در ابعاد زمانی - فضایی وجود دارد و این مهم به پیش‌برد ادراکات از رفتار جامعه مورد مطالعه در هر دو بعد تئوری و عملی کمک می‌کند.

با توجه به پیشرفت جوامع و توسعه مناطق شهری و همگام با آن توسعه جوامع روستایی، دیگر دختران و زنان روستایی رغبت آن‌چنانی جهت فعالیت در کارهای کشاورزی را ندارند و همواره علاقه‌مند به اشتغال در کارهای تولیدی غیر کشاورزی و شغل‌های دولتی و خدماتی هستند. آنچه در این‌بین مهم است موانعی است که سر راه دختران و زنان روستایی جهت مشارکت در نیروی کار مطرح است. غلبه بر محدودیت‌های زمانی - فضایی در این مسیر، موضوع اساسی است که نیازمند تحلیل است. بنابراین با توجه

1. Moller
2. Hagerstrand

به ساختار بسیار نامتقارن بازار کار کشور از نظر جنسیتی باید گفت در بررسی موضوع در بستر جغرافیای زمان، تحرک نیروی کار زنان روستایی یک موضوع و مسئله مهمی است که شناسایی موانع و محدودیت‌های تجربه‌شده در اشتغال از ضروریات آن است. می‌توان گفت که با استفاده از تحلیل زمانی - فضایی می‌توان محدودیت‌های مشارکت زنان در نیروی کار در شهرستان ورزقان به‌عنوان جامعه هدف را با مجموعه مفیدی از ابزارهای تحلیلی بررسی کرد. خلاصه اینکه زنان روستایی با موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی گوناگون، تجارب متفاوتی در مواجهه با انواع محدودیت‌های فردی و اجتماعی و سایر موانع در مشارکت در نیروی کار دارند که واکاوی و درون‌نگری در این زمینه، باعث رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب و درنهایت تعمیم نتایج به جامعه آماری و گروه‌های مختلف و بزرگ‌تر جامعه خواهد شد که این مهم، هدف اصلی مطالعه حاضر است.

پیشینه تحقیق

هاگراستراند جغرافیدان مدرنی بود که در مکتب قدیمی جغرافیای منطقه‌ای با دیدگاه جامع خود در رابطه با وابستگی متقابل طبیعت و بشر در مناطق مختلف پرورش یافته بود. رویکرد جغرافیای زمان، دیدگاه چندبعدی و انتزاعی از جهان را از لحاظ فرایندهای زمان - فضا همراه با جمعیت‌های مختلف از طریق رویدادها و فرایندها در مکان‌های مختلف فراهم می‌کند. در جغرافیای زمان، هاگراستراند مفاهیم و یک سیستم نمادسازی را برای برقراری ارتباط فرایندهای زمان - فضا و در نتیجه توصیف و تحلیل تحولات در طول زمان در فضای جغرافیایی توسعه داد. مفاهیم جغرافیای زمان هاگراستراند به چگونگی و چرایی ارتباط افراد در یک یا چند جمعیت با یکدیگر و جابه‌جایی (انتقال) بین مکان‌هایی که سنگ بنای تحقیقات حمل و نقل هستند، مربوط می‌شود (الگار و سودین^۱، ۲۰۱۲، ص ۲۰). ایده مشهور «زمان - فضا» (که به‌عنوان جغرافیای زمان شناخته می‌شود) و تأثیرات آن‌ها بر رفتار - فعالیت افراد، برای نخستین بار توسط هاگراستراند (۱۹۷۰) مطرح شد و بعداً توسط چاپین^۲ (۱۹۷۴) ارائه شد. بر این اساس، رفتار مسافرت یک فرد توسط نیازها یا خواسته‌های او از یک سو هدایت می‌شود و توسط مجموعه‌ای از محدودیت‌های زمانی - مکانی کنترل می‌شود که دسترسی و تحرک آن‌ها را محدود می‌کند. این مفهوم در

1. Ellegard & Svedin
2. Chapin

تلاش‌های تحقیقاتی مبتنی بر فعالیت به سرعت گسترش یافت. مطالعات اولیه از مفهوم جغرافیای زمان فقط در سطح نظری توسط اندیشمندانی همچون میلر^۱ (۱۹۹۱)، کوان^۲ (۱۹۹۸)، وبر و کوان^۳ (۲۰۰۲)، کیم و کوان^۴ (۲۰۰۳) استفاده می‌شد، درحالی‌که بعداً تلاش شد محدودیت‌های عملی در ابزارهای مدل‌سازی مبتنی بر فعالیت برطرف شود که در کارهای کوان و هنگ^۵، لی^۶ و یون^۷ محرز است. برخی دیگر از محققان مانند برنز^۸ (۱۹۷۹)، کوان (۱۹۹۹)، اتم و تیمرمنز^۹ (۲۰۰۷)، شوانن و دی یونگ^{۱۰} (۲۰۰۸) و چن^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۱) این مفهوم را برای به‌دست آوردن معیارهای دستیابی معنادار به فضا - زمان به کار بردند (عسگری^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱).

هرچند مطالعات رفتار فضا - زمان براساس مفهوم جغرافیای زمان در حوزه‌های علمی مختلف از زمان ارائه جغرافیای زمان هاگراستراند آغاز شد و طی دهه‌های بعدی گسترش یافت، بااین حال در مطالعات داخلی، تحقیقی که با ایده منشور زمان - فضا در بستر جغرافیای زمان به بررسی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار پرداخته باشد، انجام نشده است. بااین حال در نتایج جست‌وجوی کلید واژگان «جغرافیای زمان» و «فضا - زمان» دو مطالعه ذیل تاحدودی به موضوع تحقیق حاضر نزدیک هستند:

محمدحسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود با تمرکز بر مفاهیم جغرافیای زمان، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مطالعه خاطرات فعالیت فضایی - زمانی بازدیدکنندگان و در تجزیه و تحلیل برای ساختارسازی داده‌ها از روش استخراج روابط مستقیم و غیرمستقیم بر مبنای تئوری گراف استفاده کرده‌اند که در حیطه مطالعات گردشگری است.

قاضی‌پور (۱۳۹۷) در مقاله خود با اتخاذ رویکردی توصیفی - تحلیلی، الگوهای فعالیتی و حرکتی زنان محله سنگلج تهران در طول یک هفته را با اتکا بر روش‌های

1. Miller
2. Kwan
3. Weber & Kwan
4. Kim & Kwan
5. Kwan & Hong
6. Lee
7. Yoon
8. Burns
9. Ettema & Timmermans
10. Schwanen & de Jong
11. Chen
12. Asgari

مدل‌سازی و تحلیل تئوری «جغرافیای زمان» مطالعه کرده است.

در بررسی مطالعات خارجی باید گفت بین و همکاران (۲۰۱۱) چارچوب زمانی - جغرافیایی را در حمایت از ارزیابی کمی تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فعالیت‌های انسانی ارائه می‌دهند. فانگ و همکاران (۲۰۱۲) یک تجزیه و تحلیل مکانی - زمانی از پیوندهای مهم حمل و نقل براساس مفاهیم جغرافیایی زمان ارائه می‌دهد. هورنر و همکاران (۲۰۱۲) به توسعه رویکرد جغرافیای زمان برای بازسازی مقصد فعالیت پرداخته است. پوراابراهیمیان و همکاران (۲۰۲۱) با موضوع فقر زنان با استفاده از چارچوبی جغرافیایی زمانی نشان می‌دهد که مرزهای فضایی - زمانی و احساسی هر دو مرتبط و متقابل هستند، درحالی که افراد مسیرهای خود را در زمان و مکان طی می‌کنند. الگارد و سودین (۲۰۱۲) به بررسی سهم هاگراستراند در توسعه رویکرد فعالیت در جغرافیای حمل و نقل در زمینه جغرافیای زمان پرداخته‌اند.

علی‌رغم حجم اندک تحقیقات موجود، شناسایی شکاف تحقیق میسر شد. شکاف تحقیقاتی موجود از دو جنبه مهم قابل‌شناسایی است؛ اول در بررسی موضوع جدیدی است که به تحلیل موانع زمانی - فضایی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار در قلمرو جغرافیای زمان پرداخته و جنبه دیگر آن استفاده از روش‌شناسی آمیخته در بستر پارادایم و ابزارهای مختلف تحلیل است که این ویژگی، وجه تمایز مطالعه حاضر با مطالعات پیشین است.

مبانی نظری

ساختار فضا - زمان در ذات پویایی موجودیت‌های جغرافیایی تجسم یافته و جدایی‌ناپذیر است. هر موجود جغرافیایی، ملموس یا انتزاعی، ویژگی‌ها و روابط مکانی و زمانی با محیط را دربر می‌گیرد و خارج از زمینه قابل‌درک نیست (یوان^۱، ۲۰۲۰، ص ۳۴۵). در دنیای واقعی، مردم همیشه مسیری را در فضا و زمان در روز، هفتگی، سالانه و حتی کل زندگی دنبال می‌کنند (هاگراستراند، ۱۹۷۰، ص ۸) که در این فضا و زمان، فعالیت‌های انسانی در تعامل و درهم آمیختن یک سیستم اجتماعی پیچیده است که نیازهای فیزیولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی ما را برآورده می‌کند. بیشتر این تعاملات نیاز به جابه‌جایی افراد،

کالاها و اطلاعات بین مکان‌های مختلف در فضای فیزیکی دارد (شاو و یو^۱، ۲۰۰۹، ص ۱۴۱). جغرافیای زمان دارای رویکردی یکپارچه است که هدف آن شامل تمام فرایندها در بخش خاصی از زمان - فضا است؛ بنابراین امکان تجزیه و تحلیل تأثیر متقابل فرایندهای طبیعی و اجتماعی از یک طرف و از طرفی باز بودن هستی‌شناختی، این رویکرد را برای طیف وسیعی از فرایندها از علوم طبیعی تا علوم انسانی کاربردی کرده است (سدترینگ و ویلبورگ^۲، ۲۰۲۰: ۴). خط سیر تاریخی نشان می‌دهد که جغرافیای زمان همواره اذعان داشته است که انسان‌ها جغرافیای خود را با افراد غیرانسانی می‌سازند و تکنولوژی و مصنوعات بسیار مهم هستند، زیرا آن‌ها وسایل مادی را برای ماندگاری فضایی - اجتماعی زمان فراهم می‌کنند. جغرافیای زمان همچنین دارای چندین مؤلفه است که در انواع مواد پسا‌ساختارگرایی و فلسفه زمین‌شناسی ظاهر می‌شود (گرن^۳، ۲۰۲۰، ص ۲۸۸).

جامعه متشکل از مسیرهای بی‌وقفه و شبکه‌ای است که توسط مردم، موجودات دیگر و موجودات بی‌جان در زمان و مکان ترسیم شده است. ایده عبور از مسیرها در زمان و مکان، محور چارچوب جغرافیایی زمان است. در درک ارتباطات بین این تقاطع مسیرها، جغرافیای زمان عمدتاً بر شناسایی و معنی مرزهای فضایی - زمانی متمرکز شده است که محدودیت‌هایی را برای وقوع روابط بین موجودیت‌ها ایجاد می‌کند. با این حال، این لحظات برخورد همچنین فرصتی برای ارتباط، تعامل و ظهور تجربیات احساسی است که ممکن است محدودیت‌هایی را برای روابط نیز ایجاد کند (مک کووید و دیجست^۴، ۲۰۱۲، ص ۲۶)؛ با این وصف آنچه به عنوان شرایط روستایی با زمان و مکان تغییر می‌کند، معانی و محتویات روستایی نیز تغییر می‌کند (رای^۵، ۲۰۰۶، ص ۴۰۹).

به جای تلاش برای پیش‌بینی رفتار فضایی انسان، جغرافیای زمانی هاگراستراند (۱۹۷۰) بر محدودیت‌های فعالیت‌های انسان در فضا و زمان تمرکز می‌کند. جغرافیای زمان فعالیت‌ها را فقط در مکان‌های خاص برای دوره‌های زمانی محدود مشاهده می‌کند. محدودیت‌هایی که توانایی افراد در سفر و شرکت در فعالیت‌ها را محدود می‌کند عبارت‌اند از: ۱) قابلیت‌های فرد برای مبادله زمان با فضای در حال حرکت (برای مثال،

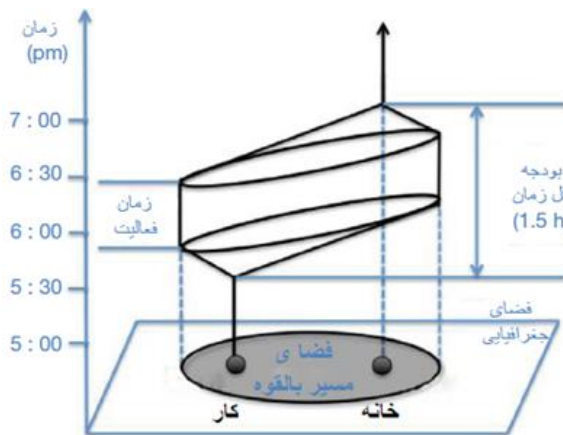
1. Shaw & Yu
2. Cedering & Wihlborg
3. Gren
4. McQuoid & Dijst
5. Rye

دسترسی به وسایل نقلیه خصوصی و عمومی؛^۲) نیاز به پیوستن با دیگران در مکان‌های خاص برای مدت زمان معین (برای مثال، یک جلسه)، بنابراین توانایی شرکت در فعالیت‌ها در مکان‌های دیگر را محدود می‌کند؛ و^۳) توانایی مقامات دولتی یا خصوصی برای محدود کردن حضور فیزیکی در برخی مکان‌ها در فضا و زمان (برای مثال، اجتماعات دردار، مراکز خرید) (میلر^۱، ۲۰۱۵، ص ۱۹). هاگراستراند به کاربرد دانش در عمل به برنامه‌ریزی ارزش زیادی می‌داد. برای این منظور، جغرافیدانان زمان مدل‌های شبیه‌سازی را برای ارزیابی تأثیر تدابیر برنامه‌ریزی در فرصت‌های انتخابی افراد مختلف تهیه کرده‌اند. دو نمونه از این مدل‌ها PESASP^۲ (برنامه ارزیابی مجموعه راه‌های جایگزین نمونه) و نسخه بهبود یافته آن MASTIC^۳ (مدل فضاهای عمل در بازه‌های زمانی و خوشه‌ای) است. این مدل‌ها ارزیابی تأثیر احتمالی سیاست‌های زمانی (برای مثال، ساعات کاری مغازه‌ها، ساعات کاری انعطاف‌پذیر و برنامه‌های تنظیم‌شده حمل و نقل عمومی)، سیاست‌های حمل و نقل (برای مثال، ساخت جاده‌های جدید و ایستگاه‌های اتوبوس جدید) و سیاست‌های فضایی (برای مثال، تغییر در تراکم یا مخلوط مکان‌های فعالیت) در مورد فرصت‌های ارائه‌شده به افراد برای شرکت در فعالیت‌های مورد نظر خود هستند (دیجست^۴، ۲۰۲۰، ص ۲۷۴). ذکر این نکته لازم است که الگارد و سویدن به نقل از هاگراستراند می‌نویسند مفاهیم در طول زمان توسعه داده می‌شوند، ابتدا مفاهیم اساسی (مانند فرد، مسیر، جمعیت و ...) که می‌تواند به عنوان مهم‌ترین ابزار برای عمیق‌تر شدن تفکر جغرافیایی زمان و جهان‌بینی اکولوژیکی در نظر گرفته شود. بعداً این مفاهیم در زمینه وسیع‌تری با هدف افزایش درک نحوه استفاده و توسعه زمین به عنوان خانه و منبع زندگی (به روش اکولوژیکی و پایدار) قرار می‌گیرند (الگارد و سویدن، ۲۰۱۲، ص ۲۱).

همان‌طور که گفته شد دو نهاد در جغرافیای زمان، محورند، یعنی مسیر فضا - زمان و منشور (میلر، ۲۰۱۵، ص ۲۰). مسیر فضا - زمان حرکت فرد در فضا و زمان را دنبال می‌کند (میلر و بریدول^۵، ۲۰۰۹، ص ۵۱). با محدودیت‌های فضایی و زمانی مختلف که حرکات و توانایی آن‌ها برای انجام رفتارهای خاص را مشخص می‌کنند، فعالیت‌ها می‌تواند در امتداد

-
1. Miller
 2. Program Evaluating the Set of Alternative Sample Path
 3. Model of Action Spaces in Time Intervals and Clusters
 4. Dijst
 5. Miller & Bridwell

یک زنجیره از ثابت به انعطاف پذیر طبقه بندی شود. فعالیت های ثابت «نقاط لنگر» را در یک مسیر روزانه تعریف می کنند و اغلب باید در مکان های خاص در طول زمان خاص انجام شوند، در حالی که فعالیت های انعطاف پذیر را می توان در هر نقطه زمانی انجام داد (سلیم^۱، ۲۰۲۱، ص ۲). امروزه محیط غنی از داده به افراد اجازه می دهد تا داده ها و اطلاعات بیشتری را برای توصیف رفتار و فعالیت های خود جمع آوری کنند (ژیمین^۲، ۲۰۱۱، ص ۵۴۰۷). در سطح رفتاری، مدل جغرافیایی زمانی تورستن هاگراستراند از جامعه در تلاش برای جلب جنبش و مشارکت افراد از طریق مفهوم سازی و نمایش گرافیکی مکان های فضایی - زمانی آن ها برجسته است (جانل^۳، ۲۰۱۵، ص ۴۱۶). منشور فضا - زمان می تواند فضا و زمان بالقوه موجود را با توجه به بودجه زمانی او تعیین کند (شکل ۱). منشور فضا - زمان را می توان مجموعه ای از تمام مسیرهای فضا - زمان در نظر گرفت (دای و آن^۴، ۲۰۱۸، ص ۳۰۴). همه مسیرهای فضا - زمان باید در منشورهای فضا - زمان (STP۵) قرار بگیرند. این ها سازه های هندسی دو مخروط متقاطع هستند (راابل^۶ و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۳۷۰).



شکل ۱ نمونه ای از منشور فضا - زمان (دای و آن، ۲۰۱۸، ص ۳۰۴)

از این نظر، جغرافیای زمان هنوز پنجره ای هستی شناختی را فراهم می کند که از آن

1. Saleem
2. Zhimin
3. Janelle
4. Dai & An
5. space-time prisms
6. Raubal

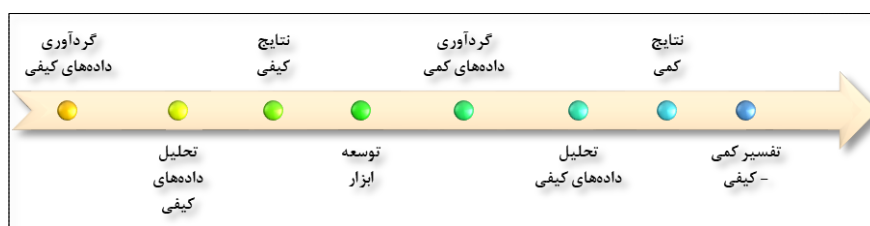
می توان نه تنها جامعه و فضا، طبیعت یا فرهنگ، بلکه جغرافیای زمانی ماده را در سطح مرجع زمین هر چند محدود مشاهده کرد (گرین، ۲۰۰۹، ص ۲۸۴). محور اصلی این نظریه عبارت است از تضاد یا تعارض ناشی از افرادی که به دنبال به حداکثر رساندن امکانات خود هستند، در حالی که در زمان و مکان محدود هستند (لیو^۱ و همکاران، ۲۰۱۵، ص ۲۳). ادغام زمان و فضا با مفهوم منحصر به فرد زمان - مکان برای بسیاری از محققان اگرچه ممکن است در عمل ممکن نباشد، اما به ایدئال در مفهوم تبدیل شده است (تریف و گلنی^۲، ۲۰۰۱، ص ۱۵۷۴۶).

زنان به طور سنتی آسیب پذیرترین گروه در بازار کار بوده اند، طبق بررسی ها، زنان بیشتر در بخش های اقتصادی غیر رسمی جذب می شوند، به ویژه با مشارکت در مالکیت مشاغل کوچک در مقیاس کوچک و فعالیت های کشاورزی کوچک (آسونگو^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲) که در این زمینه جغرافیای زمان به راحتی با علوم اجتماعی در ارتباط است. اگرچه زمینه های دیگر جغرافیای زمان نیز می تواند توسعه یابد، مثلاً برای مفهوم قدرت برای ادراک بیشتر و جست و جوی توضیحات رضایت بخش برای تحرک جنسیتی، به جغرافیای زمانی نیاز است (هیردمن^۴، ۱۹۹۱، ص ۲۷). بحث بر سر چشم انداز جنسیتی نشان از خوانش انتقادی جغرافیای زمان دارد. اگرچه هاگراستراند در سال ۱۹۷۰ در مورد مطالعات مردم در مورد مسائل منطقه ای بحث کرد، اما مسئله جنسیت و فمینیسم تا سال ۱۹۹۰ به رسمیت شناخته نشد (فربیرگ^۵، ۱۹۹۰، ص ۴۱). جغرافی دانان فمینیست با تجزیه و تحلیل زندگی کاری زنان و رابطه دو گانه بین حوزه خصوصی خانه و فضای عمومی زندگی کاری مشارکت داشته اند. اهمیت الگوهای تحرک روزانه خانوارها به آگاهی مهمی در مورد الگوهای مختلف سفر زنان به عنوان مراقبان اصلی منجر شده است. چنین داده هایی همچنین به بحث در مورد چگونگی درک پروژه های روزمره سفر و تحرک کمک کرده است. اهمیت این امر برای جامعه مدرن و اینکه این سفرهای روزمره در چه نوع قراردادهای جنسیتی منطقه ای قرار گرفته است، دارای نتایج مهمی بوده است (شولتن^۶ و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۴).

1. Liu
2. Thrift & Glennie
3. Asongu
4. Hirdman
5. Friberg
6. Scholten

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به اینکه تحقیقات ترکیبی به‌عنوان رویکردی سیستماتیک برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها تعریف شده است که منابع مختلف داده‌ها و روش‌های تحلیلی کمی و کیفی را به‌منظور درگیر کردن دیدگاه‌های متعدد برای درک کامل‌تر پدیده پیچیده اجتماعی، ادغام می‌کند (کریمر و ریپینگ^۱، ۲۰۲۰، ص ۲)؛ بنابراین مطالعه حاضر از جمله تحقیقات آمیخته (ترکیبی) است. تحقیق براساس هدف از نوع کاربردی بوده و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی است. از آنجایی که تحقیق درصدد تحلیل موانع و محدودیت‌های زمانی - فضایی مشارکت زنان روستایی شهرستان ورزقان در نیروی کار است، این مهم در بستر رویکرد جغرافیای زمان انجام گرفته و با استفاده از روش توسعه ابزار به‌عنوان نوعی از تحقیق ترکیبی، روندهای آماری (داده‌های کمی) با تجربیات شخصی و روایت‌ها (داده‌های کیفی) توسط محقق ادغام شده و با استفاده از این نقاط قوت مشترک، سعی در درک بهتر از سؤال پژوهش فراهم شده است. شکل ۲ طرح پژوهش آمیخته به‌صورت طراحی اکتشافی - مدل توسعه ابزار را نشان داده است. در مجموع تعداد ۴۵ نفر زن برای شرکت در نظرسنجی و پاسخ به سؤالات چندگزینه‌ای (طیف لیکرت) انتخاب شدند که ۲۵ نفر از این حجم در مصاحبه‌های عمیق کیفی (جدول ۱) شرکت کردند. مصاحبه‌ها هدفمند بوده و حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری آسان انتخاب شده است. در این مطالعه در فاز اول (کیفی)، گروه مطالعه جلساتی را برای گردآوری تجربیات شخصی و روایت‌ها برگزار کرده و در فاز دوم (کمی) جهت توضیح پدیده‌ها از طریق روندهای آماری به تدوین پرسش‌نامه محقق ساخته پرداخته است.



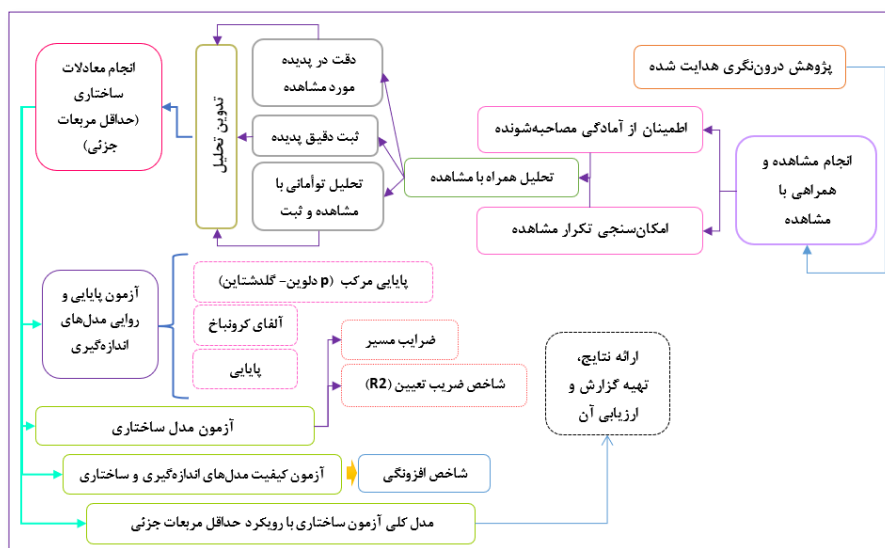
شکل ۲ طرح پژوهش آمیخته اکتشافی: طراحی اکتشافی - مدل توسعه ابزار

ابتدا با استفاده از روش کیفی «پژوهش درون‌نگری هدایت‌شده» عملکرد ذهن و فکر مشارکت‌کننده، مشاهده و گزارش شده و کدگذاری اولیه خط به خط از رونوشت‌ها انجام شد، سپس به لیست جامعی از کدها منجر شده و در نهایت در کدگذاری ثانویه برای ساخت کدهای متمرکز و مدیریت داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰ استفاده شد. جهت توسعه ابزار، مفاهیم محوری مستخرج از فاز اول به صورت پرسش‌نامه محقق ساخته در آمده و پس از گردآوری داده‌ها به تجزیه و تحلیل پرداخته شده است. از مدل‌سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی با نرم‌افزار اسمارت. پی. ال. اس. در این فاز استفاده شده است.

جدول ۱ مشخصات پاسخ‌گویان

مشخصه	تعداد	درصد
رده سنی	۲۸ سال یا جوان‌تر	۱۳ / ۲۹٪
	۲۹-۳۹ ساله	۲۱ / ۴۷٪
	۴۰ سال یا بالاتر	۱۱ / ۲۴٪
سطح آموزشی	کارشناسی	۴۱ / ۹۱٪
	کارشناسی ارشد	۳ / ۷٪
	دانشجوی دکتری و دکتری	۱ / ۲٪
زمان و فاصله نیروی کار با مکان اشتغال	نیم ساعت و کم‌تر	۱۳ / ۲۹٪
	۱ الی ۲ ساعت	۲۶ / ۵۸٪
	بیشتر از ۲ ساعت	۶ / ۱۳٪

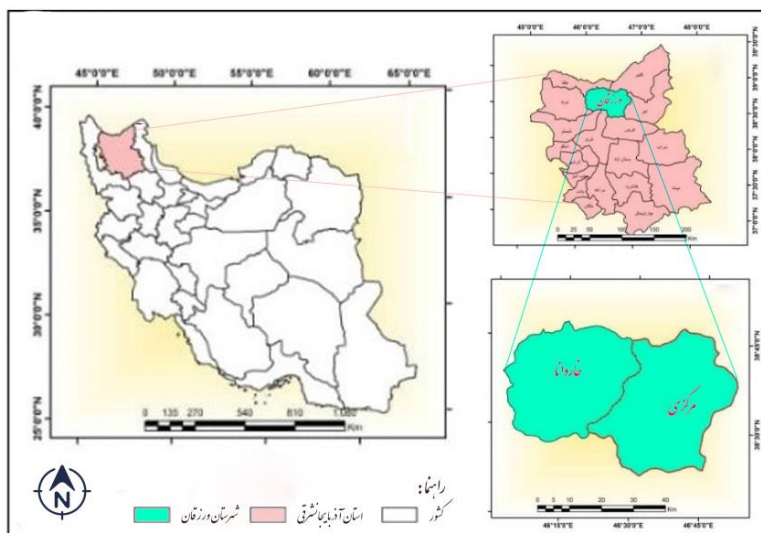
هدف از به کارگیری روش درون‌نگری هدایت‌شده این است که این روش ذوابعد است و پایه در فلسفه، روان‌شناسی و علوم رفتاری و به خصوص فلسفه ذهن دارد؛ این روش درگیر حالات و ذهنیات «در حال وقوع»، یا در «گذشته نزدیک» است و دایره شمول آن هم «ذهنیات فرد» را در برمی‌گیرد و هم از «ذهنیات سایرین» (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص ۴۸۸). پیش‌بینی مدار بودن، عدم حساسیت به نرمال بودن توزیع مشاهدات و تعداد نمونه یا حجم نمونه‌گیری نیز از جمله دلایل استفاده از رویکرد حداقل مربعات جزئی در این مطالعه است. در شکل ۳ مدل تحلیلی تحقیق نشان داده شده است.



شکل ۳ مدل تحلیلی تحقیق

قلمرو پژوهش

شهرستان ورزقان با وسعتی معادل ۲۳۶٫۸۱۳ کیلومتر مربع، ۵/۲۹ درصد از کل مساحت استان را به خود اختصاص داده است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری شهرستان ورزقان دارای دو بخش مرکزی و خاروانا، ۷ دهستان، ۱۴۷ آبادی دارای سکنه و ۱۶ آبادی خالی از سکنه است (شکل ۴). جمعیت کل شهرستان ورزقان در سال ۱۳۹۵، برابر با ۵۲۶۵۰ نفر است که بُعد خانوار روستایی نسبت به شهری ۴ دهم درصد کم‌تر بوده و نسبت جنسی در مناطق روستایی نیز نسبت به جمعیت شهری پایین است. نرخ شهرنشینی در این شهرستان ۱۶/۵ درصد است که نسبت به سال ۱۳۹۰ (۱۴/۷۸) حدود ۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. در آبان ماه سال ۱۳۹۵، جمعیت فعال (افراد شاغل و بیکار) ۳۷/۷۲ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر شهرستان را تشکیل می‌داده‌اند. این نسبت برای مردان و زنان به ترتیب ۶۵/۲۶ و ۹/۰۳ درصد بوده است. نرخ فعالیت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در نقاط شهری، ۳۱/۹۲ درصد و در نقاط روستایی ۳۸/۸۵ درصد بوده است (شکل ۴).



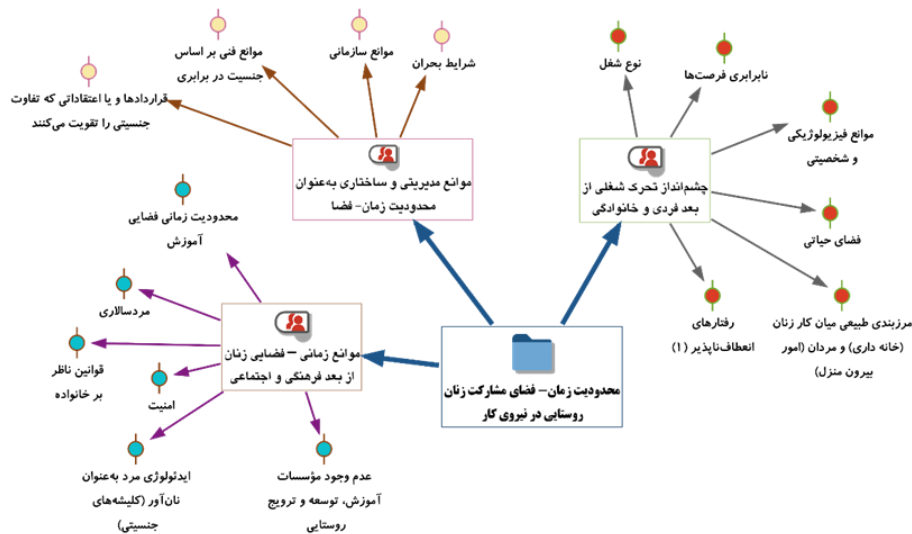
شکل ۳ نقشه جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

بحث و یافته‌های پژوهش

«چشم‌انداز تحرک شغلی از بُعد فردی و خانوادگی»، «موانع زمانی - فضایی زنان از بُعد فرهنگی و اجتماعی» و «موانع مدیریتی و ساختاری به‌عنوان محدودیت زمان - فضا» به‌عنوان درون‌مایه‌های اصلی در محدودیت‌های فضا - زمانی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار شناخته شدند. گزارش گرافیکی نرم‌افزار مکس کیودا (شکل ۴) نشان‌دهنده درون‌مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از کدگذاری محوری مبتنی بر درون‌نگری هدایت‌شده است که به توصیف آن‌ها پرداخته شده است.

چشم‌انداز تحرک شغلی از بُعد فردی و خانوادگی: عدم انعطاف‌پذیری برنامه کاری زنان روستایی به دلیل تداخل با برنامه خانه‌داری و اینکه زنان روستایی به‌عنوان شاغلان پنهان جامعه روستایی فعالیت‌های متنوع و متعددی را در بخش‌های کشاورزی و دامداری انجام می‌دهند. از طرفی تناسب کار با ویژگی‌های فیزیکی، وضعیت تأهل، مرحله زندگی خانوادگی و تحصیلات که بدون شک ارتباط معنی‌داری بین ویژگی‌های فردی و مشارکت‌پذیری زنان روستایی وجود ندارد (نوع شغل). مقوله نابرابری فرصت‌ها مقوله مهم دیگری است که باید گفت تحرک اجتماعی زنان یکی از مؤلفه‌های اصلی سنجش توسعه‌یافتگی جوامع است و این در حالی است که امکان تحرک اجتماعی زنان روستایی

برای حضور در اجتماع در نظام محلی به صورت محدود وجود دارد. موانع فیزیولوژیکی و شخصیتی به عنوان درون‌مایه مطرح شده است. زنان به دلیل وضعیت فیزیولوژیکی و زیستی، نسبت به مردان موقعیت متفاوتی دارند. این تفاوت باعث شده که در امور اشتغال، کارهایی که به توانایی بیشتری نیازمند است به مردان سپرده شود. این برداشت و نگرش از جامعه سنتی نشئت گرفته است که زنان «موجودات ضعیف‌ترند» و مردان باید بر آنها تسلط یابند. از طرفی زنان به مشاغل کم‌اعتبار سوق می‌یابند که باعث می‌شود که در کارهایی با دستمزد کم به کار گرفته شوند. همچنین به دلیل انضباط بیشتر از مردان و توقع کم‌تر نسبت به افزایش دستمزد، بیشتر مورد استثمار و بهره‌کشی اقتصادی در جامعه امروز قرار می‌گیرند (فضای حیاتی). مرزبندی طبیعی میان کار زنان (خانه‌داری) و مردان (امور بیرون منزل) درون‌مایه دیگری است که نشان می‌دهد مسئله تعدد نقش زنان به طوری که انتظار انجام مسئولیت‌های متفاوت زنان در قالب همسر، مادر، خانه‌دار، شاغل ... آن‌ها را دچار تنش و نوعی تضاد نقش و فشارهای ناشی از آن می‌کند.



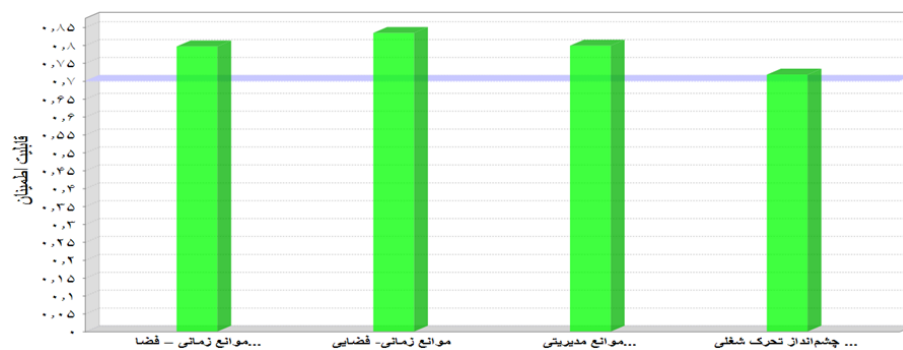
شکل ۴ خروجی گرافیکی مکس کیودا

موانع زمانی - فضایی زنان از بُعد فرهنگی و اجتماعی: تحصیلات دانشگاهی مشکلات زیادی برای زنان ایرانی به طور عام و زنان روستایی به طور خاص داشته است و این گروه از جامعه هر سال به دلایل مختلف مانند اختصاص سهمیه، حذف برخی از رشته‌ها، بومی‌گزینی یا نبود فرصت اشتغال برای انتخاب رشته تحصیلی با رویکرد جدیدی

مواجه شده‌اند که از جمله محدودیت‌های زمانی فضایی آموزش است. ارزش پایین اشتغال مربوط به صنایع دستی در جامعه روستایی، عدم دریافت آموزش‌های مناسب در زمینه صنایع دستی و نداشتن مهارت‌های مناسب لازم برای صنایع دستی از جمله مواردی است که با طرح اصلاح ساختار نظام ترویج کشاورزی، در قالب رهیافت نوین ترویج نیز حل نشده است که نقش‌پذیری کم‌رنگ مؤسسات آموزش، توسعه و ترویج روستایی به‌عنوان مقوله مداخله‌گر مطرح است. ایدئولوژی مرد به‌عنوان نان‌آور (کلیشه‌های جنسیتی) مقوله دیگری است. این باور که مردان تأمین‌کننده اصلی معیشت اقتصادی خانواده خود هستند در جامعه روستایی نیز چشمگیر است و در آن زنان به‌عنوان افرادی شناخته می‌شوند که از نظر اقتصادی وابسته هستند و برای مراقبت از خانواده و کودکان در خانه می‌مانند یا برای تأمین مخارج اضافی زندگی و کسب درآمد بیشتر به کارهای کشاورزی می‌پردازند. مقوله امنیت در امکان مشارکت زنان در نیروی کار، که لازمه‌اش سفرهای مختلف است، نوعی جلوه نامنی اجتماعی زن در جامعه است. از طرفی مقوله بسیار مهم و فراگیر این است که قوانین ایران احتمالاً در به‌وجود آوردن این وضعیت نابرابر اقتصادی مقصر است. قوانین کشور به‌شکلی مستقیم علیه دستیابی برابر زنان به استخدام تبعیض روا می‌دارند. از جمله این تبعیض‌ها می‌توان به محدود ساختن حرفه‌هایی اشاره کرد که زنان می‌توانند در آنها اشتغال داشته باشند. طبق قانون هرگاه زن قبل از ازدواج به کاری اشتغال داشته باشد و ضمن عقد موافقت شوهر را برای ادامه کار خود تحصیل کرده باشد شوهر می‌تواند از شغل زن جلوگیری کند، زیرا ملاک تشخیص منافات شغل زوجه با مصالح خانوادگی و حیثیات خود یا شوهر بعد از شروع زندگی مشترک محسوب می‌شود (قوانین ناظر بر خانواده)؛ و در نهایت فرهنگ اقتدارگرا و مردسالار در جامعه به‌خصوص در جامعه روستایی و عشایری همواره مروج باورهای سنتی بوده و از ابتدا، تربیت و اجتماعی شدن دختران، در نظر گرفتن خویش به‌عنوان جنس دوم و تضعیف اعتماد به نفس و تعمیق حس حقارت و خودکم‌بینی توانایی‌های خویش را در پی داشته است.

موانع مدیریتی و ساختاری به‌عنوان محدودیت زمان - فضا: در شرایط عادی اقتصادی و روند کند توسعه، زنان به‌عنوان نیروی کار ذخیره بالقوه تلقی می‌شوند و در شرایط بحران اقتصادی و مخصوصاً در زمان شیوع پاندمی کرونا به‌عنوان بحران در عصر کنونی، این محدودیت برای زنان بیش‌ازپیش مطرح خواهد بود، زیرا تأمین شرایط کار مساوی (با مردان) برای زنان بسیار مشکل است. مقوله دیگر قراردادهای یا باورهایی هستند که تفاوت جنسیتی را تقویت می‌کنند که در این خصوص مهم‌ترین علت عدم تمایل

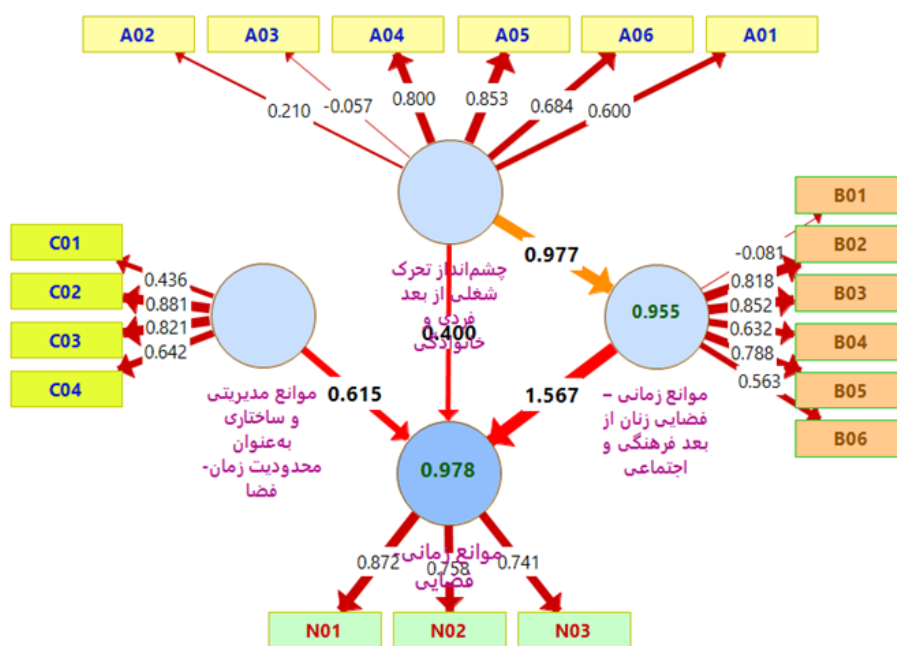
کارفرما به استخدام نیروی انسانی در بازرگانی و تولیدات صنعتی بخش خصوصی این است که معتقدند زنان فاقد قدرت جسمی لازم هستند. درون‌مایه استخراج‌شده دیگر در بحث، موانع فنی براساس جنسیت در برابری است، وجود نابرابری‌ها در زمینه اشتغال مانعی است برای ورود زنان به برخی مشاغلی که در برداشت‌های عامیانه مردانه تلقی می‌شود و سبب انعطاف‌ناپذیری بازار کار می‌شود. در نهایت موانع سازمانی درون‌مایه مهم دیگری است که توصیف آن، رفتار تبعیض‌آمیز گروه‌های غیررسمی نسبت به زنان در پرداخت وام است. پس از توصیف درون‌مایه‌های اصلی و فرعی در فاز کیفی، در این بخش از مطالعه، مفاهیم مستخرج از نتایج درون‌نگری هدایت‌شده و توصیفات آن‌ها در مرحله کدگذاری محوری به شیوه توصیف روایت‌گونه، در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفته است؛ پس از مطالعه این مفاهیم و توصیفات آن‌ها، درون‌مایه اصلی و فرعی به صورت پرسش‌نامه محقق ساخته درآمده است. تعداد کل ارزیابان به‌عنوان شاخصی برای اعتبار مقوله استخراج‌شده در نظر گرفته شده است. با عنایت به آنچه در روش‌شناسی تحقیق بیان شد براساس نتایج فاز اول به توسعه ابزار با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری اقدام شده است. چون یکی از روش‌های ارزیابی متغیرهای پنهان در مدل اندازه‌گیری ترکیبی، استفاده از تحلیل آماری در سطح متغیرهای مشاهده‌پذیر است و در اینجا هدف بررسی این مورد است که آیا یک متغیر مشاهده‌پذیر که از دل مطالعه کیفی برآمده است می‌تواند برای ایجاد متغیر پنهان تشکیل‌شونده مرتبط یا نامرتب باشد و همچنین معناداری معرف‌های تشکیل‌دهنده درخور توجه قرار می‌گیرد. شکل ۵ با استفاده از دستور PLS پایایی ترکیبی (کرونباخ - اسپیرمن) مدل اندازه‌گیری را نشان داده است.



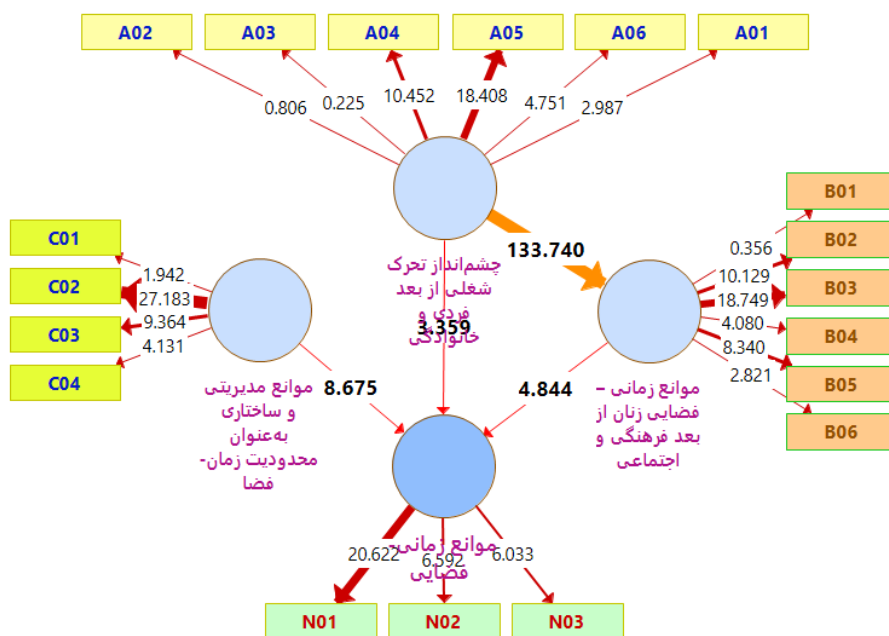
شکل ۵ نمودار بررسی قابلیت اطمینان ترکیبی (کرونباخ - اسپیرمن) متغیرهای مشاهده‌پذیر

نتایج نشان‌دهنده پایایی تمام متغیرهای مربوط به موانع و محدودیت‌های زمانی فضایی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار است، به طوری که تمام مقادیر دارای پایایی قابل قبول (بالتر از ۰/۷) هستند. منظور از ضریب مسیر همان بتای استاندارد شده در رگرسیون خطی است که ضرایب مسیر مثبت نشان‌دهنده روابط مستقیم بین متغیرهای پنهان درون‌زا و برون‌زا و ضرایب منفی نشان‌دهنده روابط معکوس بین آنهاست. نتایج تحلیل مسیر (شکل ۷) نشان‌دهنده این است که تمام روابط بین متغیرها بین متغیرهای پنهان درون‌زا و برون‌زا و مستقیم بوده و روابط معکوس (که نشانگر ضرایب منفی باشد)، وجود ندارد.

برای مشاهده مقادیر آماره تی و ضرایب معناداری اثرات مستقیم و اثرات کل به خروجی نرم‌افزار مراجعه شده و وزن‌های عاملی متغیرهای مشاهده‌پذیر نشان داده شده است (شکل ۶).



شکل ۶ بررسی سطح متغیرهای مشاهده‌پذیر



شکل ۷ بررسی وزن‌های عاملی متغیرهای مشاهده‌پذیر

معناداری ضرایب مسیر مکمل بزرگی و جهت علامت ضریب بتای مدل است. چنانچه مقدار به دست آمده بالای حداقل آماره در سطح مورد اطمینان در نظر گرفته شده باشد، آن رابطه یا فرضیه تأیید می‌شود. در سطح معناداری ۹۰ درصد، ۹۵ درصد و ۹۹ درصد این مقدار به ترتیب با حداقل آماره تی ۱/۶۴، ۱/۹۶ و ۲/۵۸ مقایسه می‌شود.

بر اساس شکل ۷ ارتباط بین «محدودیت زمان - فضای مشارکت زنان روستایی در نیروی کار» با «چشم انداز تحرک شغلی از بُعد فردی و خانوادگی» نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۳/۳۶ در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. این در صورتی است که «فضای حیاتی» به عنوان مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار در این زمینه است. ارتباط بین متغیر «فضای حیاتی» با «محدودیت زمانی - فضایی» نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۱۸/۴ در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. گفته شد که زنان روستایی در منشور زمان - فضا به مشاغل کم‌اعتبار سوق می‌یابند که باعث می‌شود در کارهایی با دستمزد کم به کار گرفته شوند و به دلیل انضباط بیشتر از مردان و توقع کم‌تر نسبت به افزایش دستمزد، بیشتر مورد استثمار و بهره‌کشی اقتصادی در جامعه امروز قرار می‌گیرند. از

دیدگاه شولتن و همکاران (۲۰۱۲) مفروضات اساسی این است که زندگی روزمره به گونه‌ای تنظیم شده است که صبح‌ها سر کار برویم و بعد از ظهر یا اوایل شب برگردیم. در جغرافیای زمان به این مساله اشاره می‌شود. از آنجا که بسیاری از زنان مراقبان اصلی هستند، زمان بیشتری که در سفرهای کاری صرف می‌شود، زمان کم‌تری را برای مسئولیت‌های خانه و نیازهای شخصی در نظر می‌گیرند. خانوارهای کم‌دستمزد در مناطق شهری بیشتر محدودیت فضایی دارند و در برابر ساختارهای بازار کار محلی آسیب‌پذیر هستند، زیرا وابستگی بیشتری به آن‌ها دارند. همان‌گونه که قبلاً بیان شد منشور فضا - زمان را می‌توان مجموعه‌ای از تمام مسیرهای فضا - زمان در نظر گرفت که می‌تواند فضا و زمان بالقوه موجود را با توجه به بودجه زمانی او تعیین کند. قوی‌ترین استدلال برای روی آوردن به جغرافیای زمانی این است که در فضای حیاتی با ایجاد تصاویری از کشمکش‌های روزمره بین فعالیت‌ها، تصمیم‌گیری، موانع و سیاست‌های مداخله از دیدگاه فردی و در سطح جغرافیای محلی، امکان تجسم محدودیت‌ها، پروژه‌های غالب و دسترسی فردی را می‌دهد.

ارتباط بیرونی بین «محدودیت زمان - فضای مشارکت زنان روستایی در نیروی کار» با «موانع زمانی - فضایی زنان از بُعد فرهنگی و اجتماعی» به عنوان متغیرهای پنهان یا مکنون نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۴/۸۴ در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. در بررسی ارتباط درونی متغیرهای آشکار باید گفت «ایدئولوژی مرد به عنوان نان‌آور (کلیشه‌های جنسیتی)» به عنوان مهم‌ترین متغیر آشکار در این زمینه است که این رابطه با مقدار آماره تی ۱۸/۷۵ در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. کلیشه‌های جنسیتی در مورد زنان آن تصورات منفی و غلط و آن تفکر قالبی است که جامعه همواره از زنان انتظار دارد؛ اینکه باید به گونه‌ای خاص فکر و رفتار کنند و در غیر این صورت در تعاملات اجتماعی با قضاوت‌های منفی و طرد مجازات می‌شوند. از نظر سلیم و همکاران (۲۰۲۱)، جغرافیای زمان به عنوان یک چارچوب نظری برگرفته از این فرض اساسی است که افراد در فعالیت‌هایی که در فضا و زمان توزیع شده‌اند، شرکت می‌کنند. تأکید نه تنها بر زمینه‌های فضایی و زمانی، بلکه در تعاملات اجتماعی نیز وجود دارد. فضا نه تنها به ویژگی‌های جغرافیایی و فیزیکی خود، بلکه تعاملات انسانی، هنجارهای اجتماعی و معانی متصل به فضا اشاره می‌کند.

ارتباط بیرونی بین «محدودیت زمان - فضای مشارکت زنان روستایی در نیروی کار»

با «موانع مدیریتی و ساختاری به‌عنوان محدودیت زمان - فضا» به‌عنوان متغیرهای پنهان یا مکنون نشان می‌دهد این رابطه با مقدار آماره تی ۸/۶۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه تأیید می‌شود. در بررسی ارتباط درونی متغیرهای آشکار باید گفت «شرایط بحران در زمان - فضا» به‌عنوان مهم‌ترین متغیر آشکار در این زمینه است که این رابطه با مقدار آماره تی ۲۷/۱۸ در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. از منظر جغرافیای زمان به‌جای تلاش برای پیش‌بینی رفتار فضایی انسان، جغرافیای زمان هاگراستراند (۱۹۷۰) بر محدودیت‌های فعالیت‌های انسان در فضا و زمان تمرکز می‌کند. جغرافیای زمان فعالیت‌ها را فقط در مکان‌های خاص برای دوره‌های زمانی محدود مشاهده می‌کند. براساس اعتبارسنجی با نتایج کیفی، در شرایط عادی اقتصادی و روند کند توسعه، زنان به‌عنوان نیروی کار ذخیره بالقوه تلقی می‌شوند و در شرایط بحران اقتصادی و مخصوصاً در زمان شیوع پاندمی کرونا به‌عنوان بحران در عصر کنونی، این محدودیت برای زنان بیش‌ازپیش مطرح خواهد بود زیرا تأمین شرایط کار مساوی (با مردان) برای زنان بسیار مشکل است. از منظر جغرافیای زمان و با توجه به تفکیک‌ناپذیری مکان و زمان در مفهوم زمان - فضا به‌عنوان یک بُعد واحد قابل تعریف از واقعیت، زنان شاغل در روزهای اپیدمی علاوه بر فعالیت‌های روزمره، با تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و لزوم حمایت والدین از دانش‌آموزان، وظایفشان در این زمینه افزایش پیدا کرده است و نیز در صورت درگیری یک عضو خانواده با کرونا به‌عنوان اولین فرد برای ارائه مراقبت‌های درمانی اقدام می‌کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مسیر فضا - زمان منشور اصلی جغرافیای زمان است که با استفاده از آن، امکان جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های رفتار پاسخ‌گویان در ابعاد زمانی - فضایی وجود دارد و این مهم به پیش‌برد ادراکات از رفتار جامعه مورد مطالعه در هر دو بُعد تئوری و عملی کمک می‌کند. همگام با توسعه جوامع روستایی، زنان رغبت آن‌چنانی جهت فعالیت در کارهای کشاورزی را ندارند و همواره علاقه‌مند به اشتغال در کارهای تولیدی غیرکشاورزی و شغل‌های دولتی و خدماتی هستند. غلبه بر محدودیت‌های زمانی - فضایی در این مسیر، موضوع مهمی بود که مطالعه حاضر به تحلیل آن پرداخت.

ایده منشور «زمان - فضا» (که به‌عنوان جغرافیای زمان شناخته می‌شود) و تأثیرات آن‌ها بر رفتار - فعالیت افراد، برای اولین بار توسط هاگراستراند (۱۹۷۰) مطرح شد و بعداً

توسط چاپین (۱۹۷۴) ارائه شد. بر این اساس، رفتار مسافرت یک فرد توسط نیازها یا خواسته‌های او از یک سو هدایت می‌شود و توسط مجموعه‌ای از محدودیت‌های زمانی - مکانی کنترل می‌شود که دسترسی و تحرک آن‌ها را محدود می‌کند. هرچند مطالعات رفتار فضا - زمان بر اساس مفهوم جغرافیای زمان در حوزه‌های علمی مختلف از زمان ارائه جغرافیای زمان هاگراستراند آغاز شد و طی دهه‌های بعدی گسترش یافت، با این حال در مطالعات داخلی، تحقیقی که با ایده منشور زمان - فضا در بستر جغرافیای زمان به بررسی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار پرداخته باشد، یافت نشد. شکاف تحقیقاتی موجود از دو جنبه شناسایی شد. اول در بررسی موضوع جدیدی که به تحلیل موانع زمانی - فضایی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار در قلمرو جغرافیای زمان پرداخته و جنبه دیگر آن استفاده از روش‌شناسی آمیخته در بستر پارادایم و ابزارهای مختلف تحلیل است.

با درک این نکته که تحقیقات ترکیبی به‌عنوان رویکردی سیستماتیک برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها تعریف شده است، با استفاده از روش توسعه ابزار به‌عنوان نوعی از تحقیق ترکیبی، روندهای آماری (داده‌های کمی) با تجربیات شخصی و روایت‌ها (داده‌های کیفی) توسط محقق ادغام شد و با استفاده از این نقاط قوت مشترک، درک بهتر از سؤال پژوهش فراهم شد. در شهرستان ورزقان به‌عنوان قلمرو پژوهش، سهم جمعیت فعال زنان بر اساس آمار ۱۳۹۵، ۹/۰۳ درصد بوده است.

موانع زمانی - فضایی زنان در سه بخش فردی، اجتماعی - فرهنگی و مدیریتی - ساختاری به‌عنوان محدودیت‌های کلی فضا - زمانی مشارکت زنان روستایی در نیروی کار شناخته شدند. «فضای حیاتی»، «ایدئولوژی مرد به‌عنوان نان‌آور (کلیشه‌های جنسیتی)» و شرایط بحران در زمان - فضا» به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار شناخته شدند.

بر اساس نتایج، زنان روستایی در منشور زمان - فضا به مشاغل کم اعتبار سوق می‌یابند که باعث می‌شود در کارهایی با دستمزد کم به کار گرفته شوند و به دلیل انضباط بیشتر از مردان و توقع کم‌تر نسبت به افزایش دستمزد، بیشتر مورد استثمار و بهره‌کشی اقتصادی در جامعه امروز قرار می‌گیرند. از منظر جغرافیای زمان خانوارهای کم دستمزد در مناطق شهری بیشتر محدودیت فضایی دارند و در برابر ساختارهای بازار کار محلی آسیب‌پذیر هستند، زیرا وابستگی بیشتری به آن‌ها دارند. از طرفی قوی‌ترین استدلال برای روی آوردن به جغرافیای زمانی این است که در فضای حیاتی با ایجاد تصاویری از کشمکش‌های روزمره بین فعالیت‌ها، تصمیم‌گیری، موانع و سیاست‌های مداخله از دیدگاه

فردی و در سطح جغرافیای محلی، امکان تجسم محدودیت‌ها، پروژه‌های غالب و دسترسی فردی را می‌دهد.

جغرافیای زمان به‌عنوان یک چارچوب نظری، برگرفته از این فرض اساسی است که افراد در فعالیت‌هایی که در فضا و زمان توزیع شده‌اند، شرکت می‌کنند. تأکید نه‌تنها بر زمینه‌های فضایی و زمانی بلکه در تعاملات اجتماعی نیز وجود دارد. فضا نه‌تنها به ویژگی‌های جغرافیایی و فیزیکی خود بلکه تعاملات انسانی، هنجارهای اجتماعی و معانی متصل به فضا اشاره می‌کند. این باور که مردان تأمین‌کنندهٔ اصلی معیشت اقتصادی خانواده خود هستند در جامعهٔ روستایی نیز چشمگیر است و در آن زنان به‌عنوان افرادی شناخته می‌شوند که از نظر اقتصادی وابسته هستند و برای مراقبت از خانواده و کودکان در خانه می‌مانند یا برای تأمین مخارج اضافی زندگی و کسب درآمد بیشتر به کارهای کشاورزی می‌پردازند.

جغرافیای زمان فعالیت‌ها را فقط در مکان‌های خاص برای دوره‌های زمانی محدود مشاهده می‌کند. براساس اعتبارسنجی با نتایج کیفی، در شرایط عادی اقتصادی و روند کند توسعه، زنان به‌عنوان نیروی کار ذخیره بالقوه تلقی می‌شوند و در شرایط بحران اقتصادی و مخصوصاً در زمان شیوع پاندمی کرونا به‌عنوان بحران در عصر کنونی، این محدودیت برای زنان بیش‌ازپیش مطرح خواهد بود، زیرا تأمین شرایط کار مساوی (با مردان) برای زنان بسیار مشکل است. نتایج تحقیق از جنبهٔ توجه به فضای حیاتی و کانون فعالیت اجتماعی زنان با نتایج مطالعهٔ قاضی پور (۱۳۹۷) و از نظر پرداختن به درک بهتر الگوهای رفتاری زنان در مسیر زمان - فضا با مطالعهٔ محمدحسینی زاده و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت و همخوانی دارد.

منابع

- چمبرز، ر. (۱۳۷۶). توسعهٔ روستایی: اولویت‌بخشی به فقرا. ترجمهٔ م. از کیا. تهران: دانشگاه تهران.
- خنیفر، ح. و مسلمی، ن. (۱۳۹۸). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (جلد دوم)، رویکردی نو و کاربردی. تهران: نگاه دانش.
- دادورخانی، ف. و احمدی، م. (۱۳۸۸). تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعهٔ موردی: محدودهٔ روستایی چیر - یامچی شهرستان زنجان). زن در توسعه و سیاست، ۴، ۹۵-۱۱۳.
- دانش مهر، ح.، خالق‌پناه، ک.، و زندی سراسوره، س. (۱۳۹۹). طرد از میدان آموزش و بازتولید نابرابری

- جنسیتی: تحلیل روایت زنان روستاهای شهرستان دهگلان، زن در توسعه و سیاست، ۱، ۱۰۵-۱۲۹. صادقلو، ط.، خوب، ش.، و صاحبی، ش. (۱۳۹۹). بررسی تأثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت پذیری زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: دهستان‌های گل‌مکان و رادکان شهرستان چناران). زن در توسعه و سیاست، ۱، ۲۳-۵۳.
- صدرموسوی، م.، کریم‌زاده، ح.، و خالقی، ع. (۱۳۹۵). تحلیلی بر عوامل مشارکت پایین زنان روستایی در نیروی کار با استفاده از روش آمیخته مورد: دهستان سینا در شهرستان ورزقان. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۶، ۱-۲۰.
- قاضی‌پور، س. (۱۳۹۷). تحلیل مکان‌مندی و زمانمندی الگوهای اجتماعی فعالیت روزمره زنان در محله سنگلج تهران، *مطالعات شهری*، ۲۹، ۸۵-۹۸.
- محمدحسینی‌زاده، م.، فرجی سبکبار، ح.، مطیعی لنگرودی، س.ح. (۱۳۹۷). تحلیل اکتشافی الگوهای فضایی - زمانی رفتار بازدیدکنندگان (مطالعه موردی: مجموعه فرهنگی - تاریخی سعدآباد). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۱ (۱۰۳)، ۱۷-۳۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *شناسنامه آبادی‌های شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی*.
- Asongu, S. A., Efobi, U. R., Tanankem, B. V., & Osabuohien, E. S. (2019). *Globalizations and Female Economic Participation in Sub-Saharan Africa*. Gender Issues. <https://doi.org/10.1007/s12147-019-09233-3>
- Cedering, M., & Wihlborg, E. (2020). Village schools as a hub in the community - A time-geographical analysis of the closing of two rural schools in southern Sweden. *Journal of Rural Studies*, 80, 606- 617. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2020.09.007>
- Creamer, E. G., & Reeping, D. (2020). Advancing mixed methods in psychological research. *Methods in Psychology*, 3, 100035. <https://doi.org/10.1016/j.metip.2020.100035>
- Dai, J., & An, L. (2018). Time Geography. *Comprehensive Geographic Information Systems*, 1, 303-312. <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-409548-9.09625-1>
- Dijst, M. (2020). *Time Geographic Analysis*. LISER, Esch-sur-Alzette, Luxemburg.
- Ellegard, K., & Svedin, U. (2012). Torsten Hager strand's time-geography as the cradle of the activity approach in transport geography. *Journal of Transport Geography*, 23, 17-25. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2012.03.023>
- Fang, Z., Shaw, S.-L., Tu, W., Li, Q., & Li, Y. (2012). Spatiotemporal analysis of critical transportation links based on time geographic concepts: a case study of critical bridges in Wuhan, China. *Journal of Transport Geography*, 23, 44-59. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2012.03.018>
- Friberg, T. (1990). *Kuinnors Vardag. Om Kuinnors Arbete och Liv. Anpassningsstrategier i Tid och Rum*. Lund University Press.
- Gren, M. (2009). Time Geography. *International Encyclopedia of Human Geography*, 1, 279-284. <https://doi.org/10.1016/B978-008044910-4.00755-0>
- Gren, M. 2020. Time Geography. *International Encyclopedia of Human Geography*, 1, 283-289. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-102295-5.10344-0>
- Hagerstrand, T. (1970). What about people in Regional Science? *Papers in Regional Science*, 24(1), 6-21.
- Hirdman, Y. (1991). *The Gender System. Moving On*. Aarhus: Aarhus University Press.
- Horner, M. W., Zook, B., & Downs, J. A. (2012). Where were you? Development of a time-geographic approach for activity destination re-construction. *Computers, Environment and*

- Urban Systems*, 36(6), 488–499. <https://doi.org/10.1016/j.compenvurbsys.2012.06.002>
- Janelle, D. G. (2015). Time-Space in Geography. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2, 415–420. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-097086-8.72070-8>
- Liu, X., Yan, W. Y., & Chow, J. Y. J. (2015). Time-geographic relationships between vector fields of activity patterns and transport systems. *Journal of Transport Geography*, 42, 22–33. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2014.10.005>
- McQuoid, J., & Dijst, M. (2012). Bringing emotions to time geography: the case of mobilities of poverty. *Journal of Transport Geography*, 23, 26–34. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2012.03.019>
- Miller, H. J. (2005). A Measurement Theory for Time Geography. *Geographical Analysis*, 37(1), 17–45. <https://doi.org/10.1111/j.1538-4632.2005.00575.x>
- Miller, H. J., & Bridwell, S. A. (2009). A Field-Based Theory for Time Geography. *Annals of the Association of American Geographers*, 99(1), 49–75. <https://doi.org/10.1080/00045600802471049>
- Pourebrahim, N. Parth Shah, Trang VoPham, David R. Doody, Teal R. Bell, M. Patricia deHart, Margaret M. Madeleine. (2021). Time and geographic variations in human papillomavirus vaccine uptake in Washington state. *Preventive Medicine*, 153, 106753. <https://doi.org/10.1016/j.ypmed.2021.106753>
- Raubal, M., Winter, S., Teßmann, S., & Gaisbauer, C. (2007). Time geography for ad-hoc shared-ride trip planning in mobile geosensor networks. *ISPRS Journal of Photogrammetry and Remote Sensing*, 62(5), 366–381. <https://doi.org/10.1016/j.isprsjprs.2007.03.005>
- Rye, J.F., (2006). Rural youths' images of the rural. *Journal of Rural Studies*. 22 (4), 409–421. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2006.01.005>
- Saleem, H. T., Likindikoki, S., Silberg, C., Mbwambo, J., & Latkin, C. (2021). Time-space constraints to HIV treatment engagement among women who use heroin in Dar es Salaam, Tanzania: A time geography perspective. *Social Science & Medicine*, 268, 113379. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2020.113379>
- Scholten, C., Friberg, T., & Sandén, A. (2012). Re-Reading Time-Geography from a Gender Perspective: Examples from Gendered mobility. *Tijdschrift Voor Economische En Sociale Geografie*, 103(5), 584–600. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9663.2012.00717.x>
- Shaw, S.-L., & Yu, H. (2009). A GIS-based time-geographic approach of studying individual activities and interactions in a hybrid physical–virtual space. *Journal of Transport Geography*, 17(2), 141–149 <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2008.11.012>
- Thrift, N., & Glennie, P. (2001). Time-geography. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, 2, 15692–15696. <https://doi.org/10.1016/B0-08-043076-7/02506-7>
- Yin, L., Shaw, S.-L., & Yu, H. (2011). Potential effects of ICT on face-to-face meeting opportunities: a GIS-based time-geographic approach. *Journal of Transport Geography*, 19(3), 422–433. <https://doi.org/10.1016/j.jtrangeo.2010.09.007>
- Yuan, M. (2020). Space–Time Modeling 2: Geographic Information System Science Approaches. *International Encyclopedia of Human Geography*, 1, 345–353. <https://doi.org/10.1016/B978-0-08-102295-5.10617-1>
- Zhimin, M. (2011). Hägerstrand time-geography revisited from current perspective. *International Conference on Multimedia Technology*. <https://doi.org/10.1109/ICMT.2011.6002703>